

نقد مطالعات رشد و تحلیل تکانه‌پذیری رشد اقتصادی ایران در چهارچوب اقتصاد مقاومتی

سیدشمس‌الدین حسینی*

چکیده

در اقتصادی چون ایران که نفت سهم بالایی در رشد اقتصادی دارد، تکانه‌پذیری و در مقابل پایداری رشد اقتصادی اهمیت مضاعف دارد. شناخت تکانه‌پذیری رشد اقتصاد ایران در دوره ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵ با رویکرد «تحلیل کیفی بخشی» در چهارچوب حسابداری بخشی رشد، هدف این مقاله قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دامنه تغییر رشد اقتصادی در دوره مورد مطالعه در ایران ۴۶ واحد درصد بوده است، که بالاترین دامنه تغییر رشد به بخش نفت با ۱۹۵/۴ واحد درصد برمی‌گردد. از طرفی بالاترین تکانه‌های رشد به سال‌هایی بر می‌گردد که بخش نفت با یک تکانه مقداری چون وضع تحریم (محدودیت خرید خارجی‌ها) مواجه شده است. سال ۱۳۵۹ و سال ۱۳۹۱ دو نمونه روشن برای این امر هستند. کما اینکه لغو و یا تعلیق تحریم‌ها در سال ۱۳۶۱ و سال ۱۳۹۵ جهش‌های رشد اقتصاد ایران را در پی داشته است که این جهش‌ها نه به منزله قرار گرفتن در یک مسیر رشد بلندمدت و پایدار، بلکه یک اصلاح کوتاه‌مدت در رشد اقتصادی است. مطالعه نشان می‌دهد وابستگی و تکانه‌پذیری بخش نفت از خارج بنا به دلایلی چون انحصار دولتی در طرف عرضه، انحصار در طرف خرید و بهره‌گیری کشورهای چون آمریکا از تحریم صادرات نفت رشد اقتصادی را ناپایدار ساخته است.

کلیدواژه‌ها: رشد اقتصادی، تکانه‌های رشد، پایداری رشد، تحریم مقداری نفت.

* دکترای اقتصاد، گرایش بخش عمومی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران، sh.hosseini@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۸

۱. مقدمه

تأمین رشد پویا اولین هدفی است که در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر آن تصریح شده‌است. لذا مقاله حاضر با درک این مهم نگاشته شده‌است. در تحلیل رشد اقتصادی علاوه بر ویژگی‌های کمی یا مقداری، ویژگی‌های کیفی نیز حائز اهمیت است. به طور مشخص، پایداری رشد یک ویژگی کیفی است که با هدف «بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی» رابطه تنگاتنگ دارد.

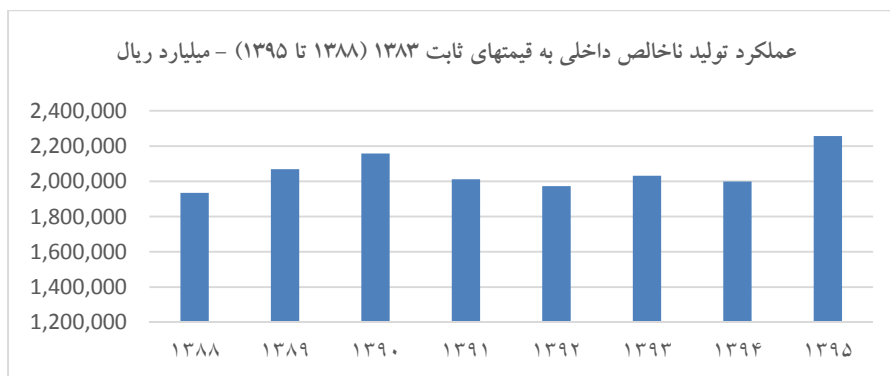
تحلیل کیفی رشد اقتصادی مستلزم تبیین ساختار و تجزیه بخشی رشد است. تحلیل رشد کل بدون تجزیه بخشی آن کفایت لازم برای شناخت پویایی و پایداری و به بیانی استحکام رشد اقتصادی مقاوم را ندارد، به همین سبب در این مقاله، رویکرد تجزیه (و تحلیل) بخشی رشد اقتصادی دنبال می‌شود. فایده این امر آنجا برجسته می‌شود که در بیشتر موارد، چه در مطالعات صورت‌پذیرفته و چه در نقد و ارزیابی‌های سیاستی رشد اقتصادی، تحلیل «کمی-کلی» رشد بدون توجه به ابعاد «کیفی-بخشی» رشد انجام می‌پذیرد که نمی‌تواند گویای اهداف و رویکردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد.

سهم برجسته نفت از تولید ملی ایران و تعدد و گستردگی تحریم‌ها بر علیه ایران، دو عاملی هستند که در شناخت نوسان و تکانه‌پذیری رشد اقتصادی باید مد نظر قرار گیرند که در مقاله به آن پرداخته می‌شود و تلاش شده‌است در تکمیل نکات پیش‌گفته، سرانجام این مطالعه را به درس‌های سیاستی برای اقتصاد مقاومتی رهنمون سازد.

۲. مفهوم نرخ رشد اقتصادی و تفاوت آن با عملکرد تولید

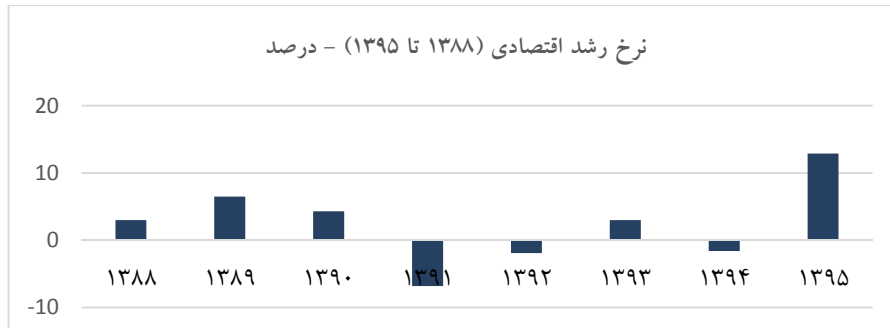
عملکرد تولید ملی یک متغیر انباشت است در حالیکه متغیر نرخ رشد اقتصادی یک متغیر روند است و مقدار آن در هر سال از طریق تفاوت میزان تولید آن سال با تولید سال قبل سنجیده می‌شود. به عنوان مثال نمودار شماره (۱) نشان دهنده عملکرد تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است. همانطور که ملاحظه می‌شود روند تولید ناخالص داخلی کشور، تا سال ۱۳۹۰ افزایشی و پس از آن همراه با نوسان است. نمودار شماره (۲) نشان دهنده نرخ رشد اقتصادی در سالهای مورد بررسی است. دو نمودار زیر نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۰ عملکرد تولید افزایش و یا بهبود پیدا کرده، بنابراین نرخ رشد اقتصادی مثبت است. اما در سال ۱۳۹۱، عملکرد تولید کاهش

پیدا کرده و بنابراین نرخ رشد اقتصادی منفی است. نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۰ اگرچه کاهش یافته ولی چون مثبت است به معنای آن است که عملکرد تولید در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال قبل آن افزایش یا بهبود یافته است.



نمودار شماره (۱): عملکرد تولید ناخالص داخلی (۱۳۸۸-۱۳۹۵)

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی (www.cbi.ir)



نمودار شماره (۲): نرخ رشد اقتصادی (۱۳۸۸-۱۳۹۵)

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی (www.cbi.ir)

در مقابل کاهش عدد منفی (قدرمطلق) نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲، به معنای بهبود عملکرد تولید نیست. زیرا میزان عملکرد تولید نسبت به سال ۱۳۹۱، کاهش یافته است. به عبارتی در سال ۱۳۹۲ میزان تولید به قیمت ثابت، حتی کمتر از سال ۱۳۹۱، است. یعنی اگرچه قدرمطلق رشد منفی کوچکتر شده، لیکن عملکرد تولید سال ۱۳۹۲، کمتر شده

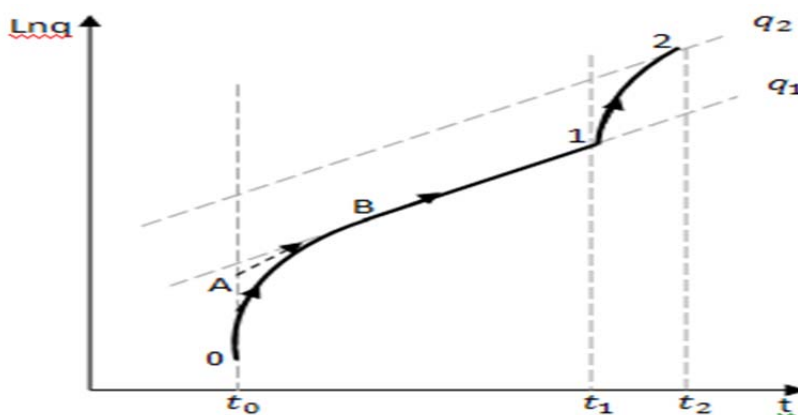
است. سال ۱۳۹۳، رشد اقتصادی مثبت، سال ۱۳۹۴ منفی و سرانجام در سال ۱۳۹۵، رشد اقتصادی مثبت و دورقمی گزارش شده‌است که در بخش‌های بعد بدان پرداخته می‌شود.

۳. مروری بر نظریه‌های رشد و بررسی روند عملکرد تولید ملی و رشد اقتصادی

۱.۳ مروری بر نظریه‌های رشد

در ادبیات نظری بین رشد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تمایز قایل می‌شوند. در تحلیل‌های نظری هنگامیکه اقتصاد از وضعیت همراه با ظرفیت بیکار و پایین‌تر از سطح منحنی امکانات تولید به سمت از بین بردن بیکاری و قرار گرفتن منحنی امکانات تولید حرکت می‌کند، گفته می‌شود که در مسیر رشد کوتاه‌مدت حرکت می‌کند.

این رشد نمی‌تواند فرایندی مستمر باشد؛ زیرا وقتی که اقتصاد به طور کامل از منابع خود بهره‌برداری می‌کند، تنها می‌تواند به سرعتی که توسعه منابع رشد، همچون موجودی سرمایه، نیروی کار و پیشرفتهای فنی اجازه می‌دهد، رشد کند. دومین نوع رشد، رشد همراه با اشتغال کامل به سمت یک مسیر رشد بلندمدت است. اما رشد بلندمدت حرکت روی یک مسیر یکنواخت است. البته نوع دیگری از رشد نیز وجود دارد که اقتصاد خود را از یک مسیر رشد بلندمدت به طریقی همچون افزایش پس‌انداز و انباشت سرمایه روی مسیر رشد بلندمدت بالاتر قرار می‌دهد که این نوع رشد را هم رشد میان‌مدت نامیده‌اند.



شکل شماره ۱. حالات مختلف رشد اقتصادی

در شکل فوق، نوع اول رشد (کوتاه‌مدت) حرکت از نقطه صفر به سمت نقطه A است که برای از بین بردن بیکاری است. نوع دوم رشد (میان‌مدت) حرکت از نقطه A به سمت نقطه B است که در واقع حرکت توأم با اشتغال کامل برای رسیدن به مسیر رشد بلندمدت $q1$ می‌باشد. نوع سوم رشد، حرکت روی مسیر یکنواخت رشد بلندمدت $q1$ از نقطه B به بعد و در نهایت نوع چهارم رشد (میان‌مدت)، حرکت از نقطه (۱) روی مسیر یکنواخت $q1$ به سمت نقطه (۲) روی مسیر یکنواخت $q2$ که با نرخ بالاتری از پس‌انداز و ذخیره سرمایه متناظر است، خواهد بود. تفکیک بین این مسیرهای رشد در تحلیلها و وقایع اقتصادی و سیاستگذاری بسیار مهم است. در تحلیل و بررسی بلندمدت نرخ رشد اقتصادی تاکنون نظریه‌ها و الگوهای بسیار متنوعی در مورد عوامل و متغیرهای تاثیرگذار بر نرخ رشد اقتصادی مطرح شده است.

از نظر تاریخی، شروع نظریه‌های رشد، مقاله رمزی در سال ۱۹۲۸ است. بعد از رمزی تا سال ۱۹۵۰ میلادی دو اقتصاددان به نام‌های هارود و دومار کوشش نمودند که تحلیل‌های کینزی را با عوامل رشد اقتصادی ترکیب نمایند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی الگوهایی گسترش یافتند که اکنون از آنها با عنوان الگوهای رشد نئوکلاسیکی یاد می‌شود. سولو و سوان (۱۹۵۶)، کاس و کوپمانز (۱۹۶۵) از جمله اقتصاددانانی هستند که چنین الگوهایی را گسترش دادند. اما به دلیل کاستی‌های الگوهای رشد نئوکلاسیک، گرایش به سمت الگوهای رشد درونزا که در آنها بر پیشرفت فنی تاکید می‌شود، افزایش پیدا کرد. در این زمان لوکاس، رومر، بارو و دیگر محققان، الگوهایی را ارائه کردند که در آنها رشد یکنواخت می‌تواند به طور درون‌زا تحقق یابد. بدین معنی که رشد اقتصادی بر اساس مجموعه‌ای از سازوکارهای درونی اقتصاد مانند توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء بهره‌وری، تحقیق و توسعه و هزینه‌های باکیفیت دولت تحقق می‌یابد. به طور کلی در این الگو سرمایه‌گذاری انسانی عامل تاثیرگذار رشد بود. اگرچه برای بررسی رشد اقتصادی بلندمدت در ایران نیز از الگوهای فوق استفاده شده است اما در این مقاله از روش تجزیه بخشی برای تحلیل نرخ رشد اقتصادی و بررسی متغیرهای تاثیرگذار بر آن استفاده شده است.

۲.۳ بررسی عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران

بررسی روند رشد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که اقتصاد ایران، با دامنه وسیعی از تغییرات نرخ رشد روبرو بوده است. به نحوی که طی دوره ۱۳۵۶ یعنی یک سال قبل از وقوع

انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۵، تفاوت بین بیشترین مقدار نرخ رشد اقتصادی و کمترین مقدار آن، به ۴۶ درصد می‌رسد.

جدول شماره ۱. روند نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت	
۵/۱	-۳/۹	-۱۰/۷	۰/۹	-۸/۱	-۳/۷	۱۳۵۶
۲	۶/۷	۱۰/۹	۲/۸	-۲۹	-۱۲/۸	۱۳۵۷
-۰/۶	۶/۱	-۱۹/۵	-۰/۹	-۲۲/۳	-۹/۴	۱۳۵۸
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲	۱۳۵۹
-۱۱	۱/۹	-۸/۶	-۷	۶/۹	-۵	۱۳۶۰
-۲/۳	۷/۱	۵/۴	۲/۱	۱۲۸/۱	۲۲/۸	۱۳۶۱
۸/۳	۴/۶	۱۷/۸	۱۳/۱	۲	۹/۷	۱۳۶۲
-۱/۴	۷/۳	-۶/۸	-۲/۴	-۲۰/۵	-۷/۶	۱۳۶۳
۲/۱	۷/۹	-۴/۹	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱۳۶۴
-۱۴/۲	۴/۸	۴/۱	-۸/۵	-۱۳/۷	-۹/۸	۱۳۶۵
-۷/۸	۲/۵	۱/۸	-۴/۱	۱۴/۴	۰/۲	۱۳۶۶
-۹/۲	-۰/۶	-۱۷/۳	-۱۰/۴	۸/۸	-۵/۳	۱۳۶۷
۶/۷	۴/۳	۲/۲	۵/۷	۶/۳	۵/۹	۱۳۶۸
۱۰/۶	۱۱	۱۷/۵	۱۱/۷	۱۹/۴	۱۴	۱۳۶۹
۱۰/۴	۵/۶	۲۳/۶	۱۱/۸	۱۳/۴	۱۲/۳	۱۳۷۰
۴/۱	۱۰/۳	۲	۴/۳	۰/۴	۳/۱	۱۳۷۱
۰/۵	۱۱	-۲/۲	-۰/۳	۵	۱/۴	۱۳۷۲
۲/۳	۲/۱	۲/۱	۱/۶	-۶/۱	-۰/۹	۱۳۷۳
۳/۱	۳/۷	-۱/۹	۳/۴	۱/۱	۲/۷	۱۳۷۴
۵/۸	۳/۳	۱۷/۹	۷/۵	۰/۶	۵/۴	۱۳۷۵
۴/۵	۱	۴/۴	۳/۵	-۵/۷	۰/۸	۱۳۷۶
۳/۴	۱۰/۶	-۳/۸	۲/۲	۲/۱	۲/۲	۱۳۷۷
۳/۱	-۷/۳	۱۱	۴/۷	-۶/۳	۱/۷	۱۳۷۸
۳	۳/۵	۱۰/۲	۴/۶	۸/۸	۵/۷	۱۳۷۹
۵/۱	-۲/۳	۱۳/۲	۶/۴	-۱۰/۵	۲/۱	۱۳۸۰
۷/۱	۱۳/۶	۱۴/۳	۹/۸	۲/۴	۸/۱	۱۳۸۱
۷/۶	۵	۶/۶	۶/۷	۱۴/۵	۸/۴	۱۳۸۲

۴/۶	۲/۴	۵/۳	۳/۲	۰/۳	۷/۵	۱۳۸۳
۶/۳	۰/۱	۸/۱	۷/۷	۱۱/۳	۸/۴	۱۳۸۴
۶/۱	۲/۲	۷/۱	۵/۲	۵/۶	۸/۹	۱۳۸۵
۷/۷	۱/۱	۹/۴	۸	۲/۹	۱۱	۱۳۸۶
۰/۶	-۰/۸	۱	۶/۷	-۲۳	۰/۴	۱۳۸۷
۱/۳	-۵/۴	۲/۸	۴/۲	۹/۶	۲/۶	۱۳۸۸
۶/۵	۴/۲	۷	۷/۹	۴/۹	۶/۷	۱۳۸۹
۴/۳	-۱	۵/۴	۵	-۰/۱	۵/۸	۱۳۹۰
-۶/۸	-۳۷/۴	-۰/۹	-۶/۴	۳/۷	۱/۱	۱۳۹۱
-۱/۹	-۸/۹	-۱/۱	۲/۹	۴/۷	-۱/۵	۱۳۹۲
۳/۲	۴/۵	۳/۰	۵/۴	۵/۴	۱/۴	۱۳۹۳
-۱/۶	۷/۲	-۳/۱	-۶/۱	۴/۶	-۲/۳	۱۳۹۴
۱۲/۵	۶۱/۶	۳/۳	۲/۲	۴/۲	۳/۶	۱۳۹۵

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

توجه به این نکته حائز اهمیت است که در دوره مطالعه (۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵)، بخش نفت با ۱۹۵.۴ درصد، دارای بالاترین دامنه تغییرات در مقایسه با سایر بخش‌ها است. بالا بودن دامنه تغییرات بخش نفت در اقتصاد ایران به دلیل اثرپذیری و به بیان روشن‌تر تحریم‌پذیری آن به دلیل درجه بازبودن بخش نفت (بالا بودن نسبت صادرات نفت به تولید) برمی‌گردد. بر اساس رشد کل، سالهای ۱۳۹۵-۱۳۵۶ را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم‌بندی نمود.

۱. دوره اول، دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۵۶ است که پایین‌ترین و بالاترین نرخ رشد و بالاترین نوسانات رشد و دامنه تغییرات را در آن شاهد هستیم. در این دوره بالاترین نرخ رشد برابر با ۲۲/۸ درصد و پایین‌ترین نرخ رشد برابر با ۲۳/۲- درصد بوده است. میانگین نرخ رشد این دوره برابر با ۳/۱۲- درصد و انحراف معیار ۱۱/۶ درصد می‌باشد. وقوع انقلاب اسلامی، خروج صاحبان صنایع بزرگ از کشور، فرار سرمایه‌ها، آشوبهای داخلی در مناطق مختلف کشور، جنگ تحمیلی و وضع تحریم‌های اقتصادی (البته وضع و لغو تحریم‌های مقداری نفت) از مهمترین رویدادهای این دوره بوده است.

۲. دوره دوم، دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۶۸ با دامنه تغییرات نرخ رشد اقتصادی ۰/۹- درصد تا ۱۴ درصد و میانگین ۷/۴۵ و انحراف معیار ۳/۸۶ درصد است. پایان یافتن جنگ

تحمیلی، از سرگیری فعالیت تولیدی در مناطق درگیر جنگ و ثبات نسبی اقتصاد بین‌المللی از ویژگی‌های بارز این دوره بوده است.

۳. دوره سوم از سال ۱۳۹۲-۱۳۸۷ با دامنه تغییرات نرخ رشد اقتصادی ۶/۸- درصد تا ۶/۵ درصد و میانگین و انحراف معیار ۰/۳۱ و ۴/۶۹ درصد است. بروز بحران بزرگ اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ که از بخش مالی آغاز ولی به بحران بخش واقعی از جمله رکود در بازار نفت منتهی شد، وقوع آشوبهای خیابانی سال ۱۳۸۸ و به دنبال آن تحمیل تحریم‌های بی‌سابقه، مکرر و شدید چندجانبه و یک‌جانبه به اقتصاد ایران شامل تحریم مقداری نفت، تحریم‌های مالی و تحریم بانک مرکزی، تحریم صنایع بزرگ و حساس همچون ماشین‌آلات و تجهیزات، پتروشیمی و ...، از مهمترین رویدادهای اقتصادی این دوره بوده اند.

۴. دوره چهارم فاصله ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ با دامنه تغییرات ۱/۶- درصد تا ۱۲/۵ درصد، میانگین ۱ درصد است.

شایان ذکر است بر اساس گزارش چشم‌انداز اقتصادی جهان (World Economic Outlook 2012, 2013)، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۲ که مصادف با سال ۱۳۹۱ است، ۱/۹- درصد و برای سال ۱۳۹۲، ۱/۷- درصد گزارش شده است.

۴. تجزیه رشد اقتصادی ایران و تکانه‌های مهم خارجی موثر بر آن

۱.۴ تجزیه رشد اقتصادی

در ایران رشد اقتصادی توسط پژوهشگران متعددی اغلب با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و مدل‌های رشد برون‌زا گرفته تا مدل‌های درون‌زا، بررسی شده‌اند. اما روش به کارگرفته شده در این مقاله استفاده از تجزیه بخشی رشد است. عواملی چون ساختار تولید ملی کشور، اهمیت بخش نفت در آن و همچنین وقوع و سازوکار اثرگذاری رخدادهایی همچون انقلاب، جنگ و تحریم که به مثابه منابع تکانه در اقتصاد ملی بروز کرده‌اند، نویسنده را بر آن داشت که وقایع مزبور را در این روش که چارچوبی رساتر برای شناخت تکانه‌ها و سیاستگذاری در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی فراهم می‌آورد، تحلیل کند.

استفاده از مدل مفهومی ارائه‌شده به این منظور است که نشان داده‌شود تفکیک رشد اقتصادی به «رشد با نفت» و «رشد بدون نفت» برای خارج ساختن اثر بخش نفت به عنوان یک تکانه خارجی، روی رشد اقتصادی کافی نیست، ضمن اینکه از تورش در نتایج مطالعات و یا ارزیابی سیاستی ناشی از نوسانات کوتاه‌مدت رشد بخش نفت پیشگیری می‌کند.

۲.۴ اثر تکانه‌های مقداری نفت بر رشد اقتصادی؛ ارائه یک مدل مفهومی

آمار عملکرد رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد، در همه سال‌هایی که کاهش مقداری تولید نفت شدید بوده است، همچون سال ۱۳۵۷ (۲۹٪-)، سال ۱۳۵۸ (۲۲٪-)، سال ۱۳۵۹ (۶۷٪-)، سال ۱۳۶۳ (۲۰٪-)، سال ۱۳۶۵ (۱۳/۷٪-) و سال ۱۳۹۱ (۳۷/۴٪-)، رشد کل تولید نیز منفی و پایین بوده است. کمابینکه در دوره مورد بررسی تنها در چهار سال رشد اقتصادی ایران دو رقمی شده است که در هر چهار سال یعنی سال ۱۳۶۱ (با رشد ۲۲/۸ درصد)، سال ۱۳۶۹ (با رشد ۱۴ درصد)، سال ۱۳۷۵ (با رشد ۱۲/۳ درصد) و سال ۱۳۹۵ (با رشد ۱۲/۵ درصد) به دلیل لغو و یا تعلیق تحریم‌های مقداری نفت در سال ۱۳۶۱ و سال ۱۳۹۵ و فعال شدن ظرفیتهای پس از جنگ تحمیلی در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، رشد بخش نفت به ترتیب ۱۲۸٪، ۱۹/۴٪ و ۱۳/۴ و ۶۲ درصد بوده است. در ادامه ضمن معرفی سازوکار و مدل مفهومی اثرگذاری بخش نفت بر عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران، اثر رخدادهای سیاسی و تحریمها به عنوان تکانه‌های خارجی بررسی می‌شود.

البته یادآور می‌شود اگرچه در مطالعات مربوط به رشد اقتصادی به اثر تکانه‌های نفتی پرداخته شده است، اما همواره در این مطالعات به اثر درآمدی نفت و تکانه‌های مربوط به قیمت آن پرداخته شده است. در شرایط متعارف و عدم وجود موانع غیراقتصادی که تغییر مقداری تولید نفت ناچیز است، چه بسا این روش موثر باشد، اما چنانچه بنا باشد آثار عوامل غیراقتصادی همچون انقلاب، جنگ، تحریم و ... مطالعه شود، این روش کافی نیست و شایسته است در مطالعات و متون علمی و تحلیل‌های سیاستی و برنامه‌ریزی‌ها ارائه یک مدل مفهومی امکان تحلیل رساتری از اثر تکانه‌های مقداری نفت فراهم گردد. در این چارچوب مفهومی، ملاحظه می‌شود تکانه مقداری نفت بر تولید ملی و به تبع آن بر رشد اقتصادی از مجاری زیر اثر می‌گذارد.

۱. اثر مستقیم: از آنجایی که نفت یکی از پایه‌های اصلی تولید ملی (با وزن بالای ۲۰ درصد) است، هرگونه تغییری همچون کاهش تولید نفت خام بلافاصله و بدون واسطه، عملکرد تولید ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این اثر به طور مستقیم در طرف عرضه کل و رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. برای شناخت این اثر کافی است به معادله زیر توجه شود:

$$y = y_o + y_I + y_s + y_a$$

در این معادله، Y بیانگر تولید کل کشور (به قیمت ثابت) و y_o, y_I, y_s و y_a به ترتیب تولید بخشهای نفت، صنعت و معدن، خدمات و کشاورزی است. با دیفرانسیل‌گیری از معادله فوق (تولید) و عملیات ریاضی می‌توان به معادله رشد رسید:

$$\dot{y} = \alpha_o \dot{y}_o + \alpha_I \dot{y}_I + \alpha_s \dot{y}_s + \alpha_a \dot{y}_a$$

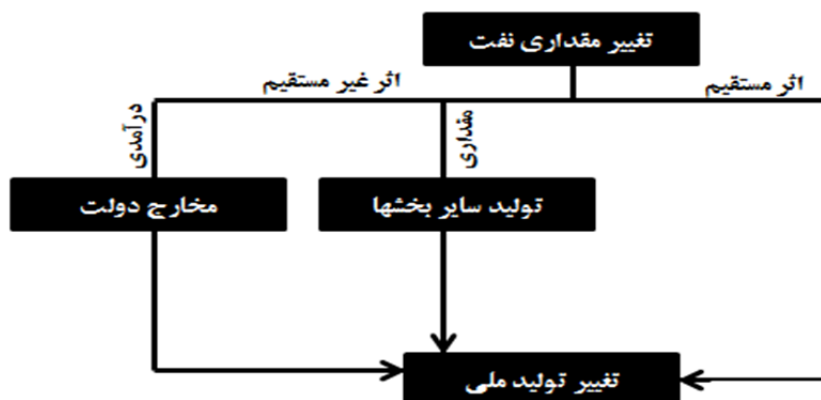
که در آن α_i ها سهم یا وزن بخش‌ها از تولید و رشد آن است. روش و معادله فوق شبیه روش حسابداری رشد است. البته در حسابداری رشد کوشش می‌شود رشد اقتصادی کل بین منابع (چون سرمایه، نیروی کار و بهره‌وری) تسهیم شود. ولی در اینجا رشد اقتصادی بین بخشها (نفت، صنعت و معدن، خدمات و کشاورزی) تسهیم می‌شوند. تکانه‌های خارجی چون تحریم که سبب کاهش اجباری تولید نفت (بیکاری اجباری ظرفیت بخش) می‌شوند، منجر به کاهش سریع رشد اقتصادی و پایین افتادن اقتصاد ملی از مسیر رشد بلندمدت آن می‌شود. این اثر با حرکت عکس روی مسیر رشد کوتاه‌مدت قابل انطباق است.

۱. اثر غیرمستقیم: این اثر به دو اثر غیرمستقیم مقداری و اثر غیرمستقیم درآمدی تقسیم می‌شود.

۱.۲ اثر غیرمستقیم مقداری: این اثر به تأثیر تغییر مقداری نفت بر سایر بخش‌های عرضه به ویژه بخش خدمات و صنعت برمی‌گردد. به عنوان نمونه وقتی به هر دلیلی مقدار نفت تولیدی و به تبع آن صادرات نفت کشور کاهش یابد، به واسطه آن ارزش افزوده حمل و نقل دریایی به سرعت کاهش می‌یابد. به عنوان مثال هنگامی که به جای دو میلیون و پانصد هزار بشکه در روز یک میلیون بشکه نفت بارگیری و حمل می‌شود، زیربخش خدمات حمل و نقل دریایی، در حدود ۶۰ درصد کاهش می‌یابد، که این اثر نیز به دلیل وجود روابط پسین و پیشین بخش‌ها به سرعت در طرف عرضه کل و رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. این اثر غیرمستقیم مقداری نیز در معادله (۱) و معادله (۲) به روشنی قابل مشاهده است.

۲.۲ اثر غیرمستقیم درآمدی: نفت پایه اصلی منابع عمومی (دولت) در ایران است، لذا تغییرات مقداری نفت (با فرض ثبات قیمت آن) سبب تغییر این پایه منابع عمومی و به دنبال آن تغییر مخارج دولت می‌شود. تغییر مخارج دولت، هم در هزینه‌های مصرفی و هم مخارج سرمایه‌ای دولت منعکس می‌شود البته کاهش مخارج بیشتر بر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا همان بودجه‌های عمرانی اثر می‌گذارد. این اثر مشابه کاهش درآمدهای نفتی

کشور، به دلیل پایین آمدن قیمت نفت است. ملاحظه می‌شود که اثر غیرمستقیم درآمدی ناشی از تغییر تولید نفت از سمت مخارج (تقاضای کل) اثر می‌گذارد و به نوبه خود سبب تحقق تولید بالفعل (واقعی) کمتر از تولید بالقوه (ظرفیت) می‌شود.

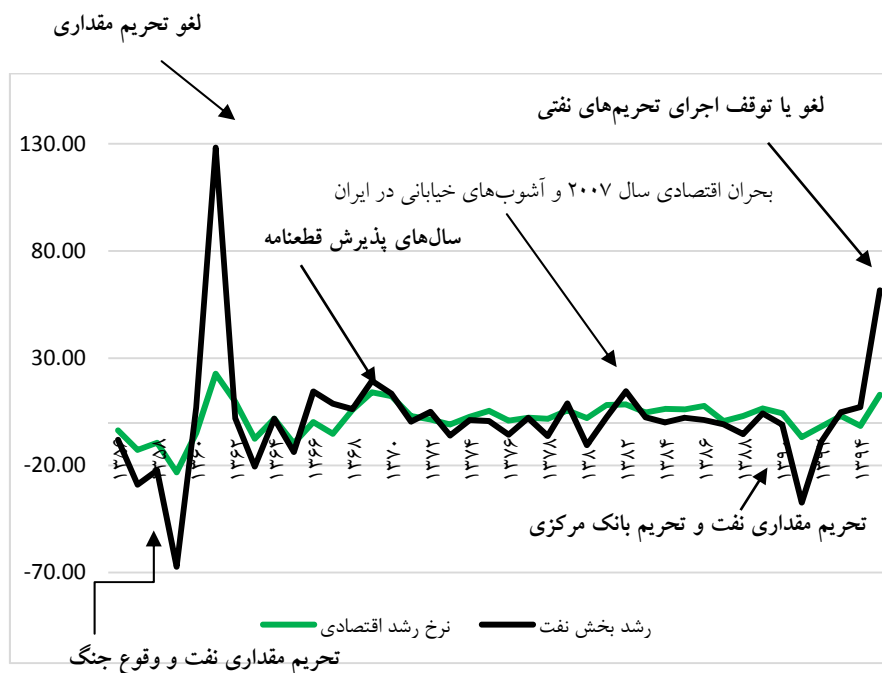


شکل شماره ۲. مدل مفهومی اثرگذاری تغییر مقداری نفت بر تولید ملی

چارچوب اثرگذاری معرفی شده در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که تغییرات تولید ملی و نرخ رشد اقتصادی تا حد قابل توجهی به تغییرات در مقدار تولید نفت و به عبارتی رشد بخش نفت وابسته است. به نحوی که ضریب همبستگی رشد بخش نفت با نرخ رشد اقتصادی در بازه زمانی ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵ نزدیک به ۸۰ درصد است. این همبستگی در زمان تکانه‌های نفتی مثل سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ و ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ نزدیک به ۹۰ درصد است. شکل شماره (۳) روند نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد بخش نفت را نشان می‌دهد.

نکته حائز اهمیت این است که اثر تکانه‌های مقداری نفت بر رشد اقتصادی متقارن است. یعنی همانگونه که کاهش مقداری تولید نفت در نتیجه اقدامی چون وضع تحریم، سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود، افزایش مقداری تولید نفت پس از لغو تحریم بلافاصله سبب افزایش رشد اقتصادی در ایران شده است. این رشد مستمر نیست و با بهره‌برداری از ظرفیت بیکار بخش‌ها، دوباره رشد اقتصادی به سطح یکنواخت بلندمدت آن برمی‌گردد. شایان ذکر است در مطالعات مربوط به ارزیابی اثر تکانه‌های نفت بر اقتصادهای صادرکننده خالص نفت، همچون ایران اثر تکانه‌های قیمتی، نامتقارن ارزیابی شده است. یعنی کاهش

قیمت نفت، رشد اقتصادی این کشورها را کاهش داده است و لیکن اثر مثبت افزایش قیمت نفت به مراتب ضعیف‌تر بوده است (پی‌نوشت (۱)).



نمودار شماره ۳. همبستگی رشد اقتصادی و رشد بخش نفت

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

نمودار شماره (۳) نشان می‌دهد در سالی که بخش نفت، بیشترین میزان رشد (۱۲۸ درصد در سال ۱۳۶۱ در پی لغو تحریم مقداری نفت) را داشته است، اقتصاد ایران بالاترین نرخ رشد اقتصادی (۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۱) را حتی با تداوم جنگ تحمیلی تجربه نموده است. در طرف مقابل در سالی که بخش نفت بیشترین کاهش را تجربه نموده (۶۷/۳- درصد در سال ۱۳۵۹ در پی تحریم مقداری نفت)، نرخ رشد اقتصادی کمترین مقدار خود را (۲۳/۲- درصد) داشته است. کاهش حدود ۷ درصدی تولید به دلیل کاهش ۳۷/۴ درصدی ارزش افزوده بخش نفت در پی اعمال تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱ و رشد ۱۲/۵ درصدی در سال ۱۳۹۵ به دنبال رشد ۶۲ درصدی بخش نفت به دنبال تعلیق تحریم‌ها بیانگر تجربه مشابه است.

نکته مهم در این قسمت بدان توجه داده می‌شود، اثر عدم تکرار و توقف یک تکانه خارجی و پیامد آن برای رشد است چرا که اگر بر اثر یک عامل خارجی چون جنگ، تحریم و وضع سهمیه خرید، تولید مقداری نفت کاهش یابد، این اثر در همان سال تاثیر مستقیم و تاثیر غیرمستقیم مقداری خود را بر جای می‌گذارد.

تجربه سال ۱۳۵۹ که اقتصاد ایران با تحریم (عدم خرید نفت از ایران) و به عبارتی تحریم مقداری نفت روبرو شد، نشان می‌دهد که وقتی رشد بخش نفت به $۶۷/۳$ - درصد رسید، همین امر نرخ رشد اقتصادی را به $۲۳/۲$ - درصد رساند و تجربه سال ۱۳۶۱، که تحریم‌های مقداری لغو شد، نشان می‌دهد که رشد ۱۲۸ درصدی بخش نفت، نرخ رشد اقتصادی $۲۲/۸$ درصدی را به دنبال داشت. تجربه سال ۱۳۶۸ مقارن با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، تجربه سال ۱۳۹۱ به دلیل تحریم‌های مقداری نفت و بانک مرکزی و تجربه سال ۱۳۹۵ در پی تعلیق تحریم‌های مقداری صادرات نفت که به ترتیب ریشه در یک تکانه خارجی داشته‌اند، نیز از مصادیقی هستند که نسبت دادن آنها به پیامدهای سیاستی و یا بهبود ساختاری اقتصاد محل تأمل است.

۳.۴ تحولات سیاسی و جنگ

در اکثر موارد، تحولات سیاسی و جنگ، بحران‌های اقتصادی را به دنبال داشته است. جدول شماره (۲) سالهایی که اقتصاد ایران با بحران‌های اقتصادی روبرو بوده است را نشان می‌دهد.

سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، سال‌های جنگ تحمیلی و سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی است.

جدول شماره ۲. رشد اقتصادی در سال‌های بحران اقتصادی

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۲	۶/۷	۱۰/۹	۲/۸	-۲۹	-۱۲/۸
-۰/۶	۶/۱	-۱۹/۵	-۰/۹	-۲۲/۳	-۹/۴
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲
-۱/۴	۷/۳	-۶/۸	-۲/۴	-۲۰/۵	-۷/۶

۱/۸	۱/۸	۱/۸	-۴/۹	۷/۹	۲/۱	۱۳۶۴
-۹/۸	-۱۳/۷	-۸/۵	۴/۱	۴/۸	-۱۴/۲	۱۳۶۵
۱/۴	۵	-۰/۳	-۲/۲	۱۱	۰/۵	۱۳۷۲
-۰/۹	-۶/۱	۱/۶	۲/۱	۲/۱	۲/۳	۱۳۷۳
-۶/۸	-۳۷/۴	-۰/۹	-۶/۴	۳/۷	۱/۱	۱۳۹۱

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

بررسی نشان می‌دهد، که تحولات سیاسی همچون وقوع انقلاب، در اغلب موارد به دلیل همراه شدن با واکنش‌های تحریمی به صورت کاهش خرید نفت از ایران، با کاهش رشد بخش نفت، رشد اقتصادی را به میزان بسیار زیادی تحت تاثیر قرار داده‌اند. به عبارتی تحریم‌های نفتی یکی از اهرم‌های فشاری است که همواره در قبال هرگونه تحرک سیاسی علیه ایران به کار گرفته شده است. تنها سال‌هایی که تکانه‌های اقتصادی بدون وجود هیچ تکانه سیاسی اتفاق افتاده، سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، مقارن با سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی هستند (پی نوشت (۲)).

در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ اقتصاد ایران با سه رویداد سیاسی اوج‌گیری انقلاب، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و جنگ تحمیلی روبرو بوده است. در این دوران با دستور اجرایی رئیس جمهور وقت آمریکا، خرید نفت از ایران قطع شد. در این دوران به رغم تلاش بسیاری از کشورهای عضو اوپک مبنی بر افزایش تولید و صادرات نفت برای جلوگیری از افزایش قیمت جهانی آن، به دلیل تحریم ایران قیمت نفت از بشک‌های ۱۵/۸۵ دلار به ۳۹/۵ دلار رسید. اما به رغم افزایش قیمت نفت، رشد بخش نفت در اقتصاد ایران به دلیل اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم مقداری به مقدار قابل توجهی منفی شد. علت آن نیز به غلبه اثر مقداری بر اثر قیمتی در بخش نفت برمی‌گردد. در این دوران با کاهش شدید رشد بخش نفت و در پی آن افت شدید رشد اقتصادی، اقتصاد ایران دوره‌های از رکود همراه با تورم شدید و بیکاری را تجربه نمود.

پس از خاتمه یافتن جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، به دلیل از سرگیری تولید در مناطقی که درگیر جنگ بودند از جمله مناطق نفت خیز، اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ نرخ‌های رشد بالایی را تجربه نمود. جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی در این دو سال را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۳. رشد اقتصادی در سال‌های پس از جنگ

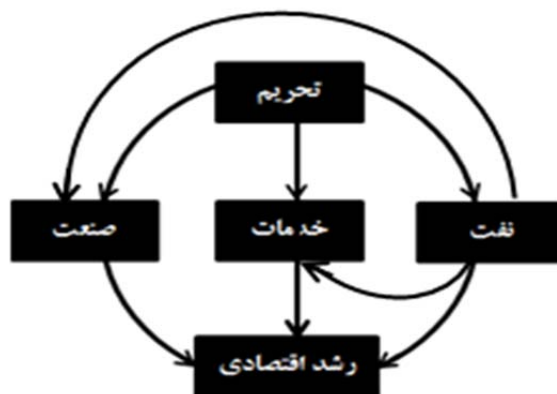
رشد اقتصادی	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش صنعت	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش خدمات	
۱۳۶۹	۱۹/۴	۱۱/۷	۱۷/۵	۱۱	۱۰/۶	
۱۳۷۰	۱۳/۴	۱۱/۸	۲۳/۶	۵/۶	۱۰/۴	

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

اما پس از تجربه نرخ‌های رشد بالا در سال‌های پس از جنگ، به دلیل نزدیک شدن تولید عملی به ظرفیت‌های موجود، رشد اقتصادی متوقف شد و اقتصاد ایران نرخ‌های رشد پایینی را تجربه کرد.

۴.۴ تحریم

اقتصاد ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی همواره با تحریم‌های یک جانبه و چندجانبه کشورهای مختلف مواجه بوده است. البته تحریم نفتی و تحریم مالی قبل از انقلاب نیز سابقه دارد. به گون‌های که در پی جنبش ملی کردن صنعت نفت در آغاز دهه ۱۳۳۰، انگلستان مبادرت به تحریم نفتی ایران کرد که منجر به کاهش تولید و عدم توفیق برنامه عمرانی اول قبل از انقلاب (۳۴-۱۳۲۷) شد (پی نوشت (۳)). تحریم از طریق بخش‌های مختلف می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی تاثیر داشته باشد. شکل شماره (۳) این تاثیرات را نشان می‌دهد:



شکل شماره (۳): تحریم و رشد اقتصادی

بررسی نشان می‌دهد در دو دوره تحریم‌ها به دلیل اعمال محدودیت مقداری یا کاهش خرید نفت، تاثیر بسزایی بر عملکرد تولید و رشد اقتصادی ایران داشته است، این دو دوره سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۹۱ هستند. جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی این دو سال را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴. رشد اقتصادی در سال‌های تحریم مقداری نفت

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

در هر دو سال اشاره شده، رشد اقتصادی بدون نفت، کمتر از یک درصد کاهش یافته است، اما رشد منفی بسیار بالا و قابل توجه بخش نفت به دلیل اعمال تحریم‌های مقداری، رشد اقتصادی کل را منفی نموده است. کمالینکه رشد بخش کشاورزی در هر دو سال به دلیل پایین بودن اثرپذیری این بخش از تکانه‌های خارجی، مثبت بوده است (شایان ذکر است نرخ رشد اقتصادی ۳/۷ درصد بخش کشاورزی سال ۱۳۹۱ پس از تعدیل منفی به دنبال تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ اعلام شده است).

تفاوت عمده‌ای که بین تحریم سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۹۱ وجود دارد عبارت است از اینکه در سال ۱۳۵۹، به رغم تحریم مقداری نفت و کاهش میزان فروش آن، قابلیت وصول درآمدهای نفتی، وجود داشت و اقتصاد ایران با تحریم مالی روبرو نبوده است. اما در سال ۱۳۹۱، علاوه بر تحریم مقداری نفت، امکان انتقال درآمدهای نفتی کشور به دلیل تحریم بانک مرکزی و نظام بانکی وجود نداشته است. کمالینکه تحریم‌های صنعت، بیمه و بازرگانی نیز از طریق کاهش رشد سایر بخش‌ها بر کاهش نرخ رشد اقتصادی تاثیر مضاعف گذاشته است. بنابراین با توجه به پیچیدگی و شدت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱، انتظار می‌رفت عملکرد نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۳۵۹ پایین‌تر باشد، که اینگونه نشده است.

نکته مهم دیگر که نباید از نظر دور داشت، بهره‌گیری تحریم‌کنندگان از انباشت تجربه تحریم یا همان جنگ اقتصادی برای تقویت این اهرم فشار علیه اقتصاد ایران است. همانگونه که در بخش‌های قبلی گفته شد، در سال ۱۳۵۹ نیز تحریم مقداری نفت بر علیه ایران اعمال شد، اما تحریم یکباره خرید نفت از ایران منجر به افزایش شدید قیمت نفت در

بازارهای جهانی و در نتیجه ناگزیر ساختن رئیس جمهور آمریکا به لغو دستور خود شد. اما در تجربه اخیر، آمریکا و متحدانشان به دلیل سیطره‌های که بر نقل و انتقال پولی و شبکه‌های الکترونیکی مالی دنیا یافته‌اند، ابتدا مبادرت به تحریم مالی ایران کردند؛ لذا نفت ایران فروخته شد و بازار نفت جهانی دچار تنش کاهش ناشی از عرضه ایران نشد؛ لیکن تنگناهای مالی و فشارهای درآمدی بر ایران تحمیل شد و در گام بعدی تحریم مقداری نفت ایران به صورت تدریجی و پلکانی اعمال شد تا امکان جایگزینی تولید از سوی کشورهای هم‌چون عربستان و همچنین تطبیق زنجیره‌های پالایشگاهی با نفت جایگزین ایران فراهم شود، به ویژه اینکه خریداران نفت خام ایران نیز محدود و به نوعی انحصاری هستند. لذا تلفیق تحریم مالی و مقداری نفت و پرهیز از تنش در بازار نفت، رویکرد خطیر آنها بر علیه ایران بوده است. شایان ذکر است در متون ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آمریکایی درگیر تحریم بر علیه ایران، همواره از یکپارچه شدن نظام مالی دنیا و از طرفی وابستگی ایران به فروش نفت در بازارهای جهانی، به عنوان دلایل اثربخشی تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران یاد شده است (پی‌نوشت (۴)).

جدول شماره (۵)، تجربه دو سال رشد ایران در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۹۵ پس از برداشتن و یا تعلیق تحریم‌های مقداری نفت را نشان می‌دهد. همانگونه که رشد ۱۲۸ درصدی بخش نفت، رشد حدود ۲۳ درصد کل در سال ۱۳۶۱ را در پی داشته است، رشد ۶۲ درصدی نفت در سال ۱۳۹۵، رشد ۱۲/۵ درصد کل را در سال ۱۳۹۵ رقم زده است.

جدول شماره ۵. رشد اقتصادی در سال‌های پس از تحریم مقداری نفت

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
-۲/۳	۷/۱	۵/۴	۲/۱	۱۲۸/۱	۲۲/۸
۳/۶	۴/۲	۶/۶	۳/۳	۶۱/۶	۱۲/۵

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

۵. تحلیل رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ و سال ۱۳۹۵

۱.۵ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱

آخرین رقم نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱، با توجه به آنچه از سوی بانک مرکزی اعلام گردیده است ۶/۸- درصد است. جدول زیر آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی در این سال را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۷): رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

همانطوریکه در جدول شماره (۴) ملاحظه شد بر اساس آمار بانک مرکزی نرخ رشد اقتصادی ایران برای سال ۱۳۹۱، $-۶/۸$ درصد اعلام شده است که این عدد در مقایسه با رشد سال ۱۳۹۰ (که اولین سال پس از اجرای هدفمندی‌سازی یارانه‌هاست)، حدود ۱۱ واحد درصد افت نشان می‌دهد، کماینکه در مقایسه با سال ۱۳۸۹ که رشد اقتصادی ایران $۶/۵$ درصد بوده است، این فاصله به ۱۳ واحد درصد می‌رسد؛ لذا ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۹۱ نرخ رشد اقتصادی دچار یک تکانه شده است و در مسیر پایدار خود نبوده است؛ لذا شناخت وقایع سال ۱۳۹۱ حائز اهمیت است که بدان پرداخته می‌شود.

الف) تحریم نفت

تحریم سال‌های ۱۳۹۰ به بعد، پیچیده‌ترین نوع تحریم علیه ایران بوده است. زیرا هم تحریم مقداری نفت اعمال شده است و هم قبل از آن با تحریم‌های مالی از جمله محدودیت جابه‌جایی درآمدهای حاصل از فروش نفت و ذخایر ارزی اثر تحریم مقداری نفت تشدید شده است. منفی بودن رشد بخش نفت و منفی شدن رشد برخی زیربخش‌های خدمات و صنعت که مستقیم تحریم شده‌اند، حکایت از اثر غالب تحریم بر رشد اقتصادی منفی در سال ۱۳۹۱ دارد. در مورد تحریم اخیر نفت، موارد زیر را می‌توان مطرح نمود:

۱. به دنبال تحریم بانک مرکزی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰، در ماه‌های آغازین سال ۱۳۹۱، تحریم تجاری نفت یعنی کاهش خرید نفت از ایران اعمال شد. به طوری که صادرات نفت کشور از متوسط $۲/۴$ میلیون بشکه در روز به کمتر از یک میلیون بشکه در روز در ماه‌های ابتدایی سال کاهش یافت. این امر سبب شد به رغم وجود ظرفیت‌های تولیدی در بخش نفت، تولید آن به شدت کاهش یافته و رشد بخش نفت به منفی ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۱ برسد. در واقع مانع سیاسی تحریم، منجر به تولید نفت پایین‌تر از سطح ظرفیت (بیکاری اجباری ظرفیت تولید نفت) یا پایین افتادن از روند بلندمدت رشد شد. این اثر همانگونه که در بخش $۲-۴$ گفته شد دارای تأثیر مستقیم روی رشد اقتصادی

است. کمالین که رشد بدون نفت، تنها منفی ۰/۹ درصد بوده است. لذا فاصله رشد بدون نفت منفی ۰/۹ درصد با رشد منفی ۶/۸ درصد کل، به دلیل اثر مستقیم تحریم (کاهش منفی ۳۷ درصدی تولید بخش نفت) بوده است.

۲. همانگونه که در بخش ۴-۲ مقاله گفته شد، اثر تکانه‌های مقداری نفت (ناشی از تحریم) به اثر مستقیم محدود نمی‌شود و دو اثر «غیرمستقیم مقداری» و «غیرمستقیم درآمدی-مخارج کل» باید بررسی شوند که به شرح زیر می‌باشد:

۱.۲ در اثر افت تولید و صادرات نفت، بخش‌های پستین و پیشین به شدت دچار کاهش شدند که این امر در پایه تولید سایر بخش‌های (غیرنفتی) خود را نشان می‌دهد. به طور مثال رشد بخش حمل و نقل دریایی در سال ۱۳۹۱، ۲/۵ درصد بوده است. این رشد، به دو بخش حمل و نقل دریایی غیرنفتی و حمل و نقل دریایی نفتی تقسیم می‌شود. جالب است که رشد حمل و نقل بدون نفت در سال ۱۳۹۱، حدود ۹ درصد بوده است؛ ولی از آنجایی که رشد بخش حمل و نقل نفتی حدود منفی ۸ درصد بوده است، رشد مزبور به سطح ۲/۵ درصد کاهش یافته است که از مصادیق اثر غیرمستقیم مقداری است.

۲.۲ بر اساس گزارش مالی دولت در سال ۱۳۹۱، به دنبال تحریم خرید نفت از ایران، پایه مربوط به فروش نفت در درآمد عمومی (زیربخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای) به میزان ۳۶ درصد در مقایسه با سال قبل آن کاهش یافت، که در نتیجه این امر مخارج کل دولت در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته که منجر به کاهش ۴۷ درصدی تملک دارایی‌های سرمایه (سرمایه‌گذاری) دولت شده است که این امر به نوبه خود منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این اثر به عنوان اثر "غیرمستقیم درآمدی" که از طریق مخارج کل بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد، معرفی شد. به بیانی پایین آمدن (و منفی شدن) رشد بدون نفت سال ۱۳۹۱ (حدود منفی ۰/۹ درصد) ناشی از این آثار است.

ب) تحریم خدمات مالی و بازرگانی

یکی از مهمترین ابعاد تحریم‌های اخیر به تحریم خدمات مالی و بازرگانی از جمله خدمات بانکی، بیم‌های (خدمات مالی) و کشتیرانی برمی‌گردد.

۱. خدمات بازرگانی: تحریم سبب شد، رشد بخش خدمات بازرگانی که ۱۴ درصد از سهم تولید کل در اقتصاد ایران را به خود اختصاص می‌داد، به منفی ۹ درصد در سال ۱۳۹۱ برسد، شایان ذکر است متوسط رشد این زیربخش در سه سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، ۶ درصد بوده است.

۲. خدمات مالی: یکی دیگر از حوزه‌هایی که به طور مستقیم مورد تحریم قرار گرفت، بخش خدمات مالی است. تحریم سبب شد رشد این بخش به منفی ۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۱ برسد در حالیکه در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، به طور متوسط این زیربخش از رشد ۸ درصدی برخوردار بوده است.

کاهش رشد دو زیربخش فوق، منجر به افت رشد بخش خدمات از ۵/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱/۱ درصد در سال ۱۳۹۱ شد. این دو در شرایطی است که رشد سایر بخش‌های خدمات کشور (بدون خدمات مالی و بازرگانی) در سال ۱۳۹۱ در حد سال ۱۳۹۰ یعنی ۵/۳ درصد، مثبت بوده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که بخش خدمات ۵۰ درصد سهم از تولید کل را در اختیار دارد؛ لذا افت ۴ واحد درصدی این بخش به دلیل تحریم به تنهایی منجر به افت دو واحد درصدی رشد کل می‌شود. (توجه شود رشد کل بخش‌های غیرنفتی منفی ۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۱ گزارش شده است).

ج) تحریم بخش‌های صنعتی

اعمال تحریم‌ها بسته به ساختار فعالیت‌ها از جمله ارزبری در مقابل ارزآوریاز چند مسیر سبب آسیب به بخش‌های صنعتی شده است. از جمله با کاهش درآمدهای ارزی، افزایش نرخ ارز به وقوع پیوست. این امر همراه با مشکل جابه‌جایی پول (تحریم بانکی) منجر به در مضیقه قرار گرفتن صنایع وابسته به واردات و ارزبر شد. به طور نمونه این امر را می‌توان در بخش خودرو (زیربخش ماشین‌آلات و تجهیزات در تولید) جستجو نمود که از کاهش ۴۴ درصدی تولید در سال ۱۳۹۱ برخوردار بوده است. لذا ملاحظه می‌شود که رشد زیربخش ماشین‌آلات و تجهیزات از متوسط ۱۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به منفی ۳۰/۳۳ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت.

یکی دیگر از حوزه‌های تحریم صنعتی به بخش پتروشیمی برمی‌گردد که در سال ۱۳۹۱ به طور مستقیم مورد تحریم قرار گرفت و سبب شد نرخ رشد این بخش از متوسط ۱۲/۵ درصد طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به منفی ۱/۴۵ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یابد.

موارد ذکر شده محدود به مصادیق اثرات تحریم بر زیربخش‌هایی است که به طور مستقیم تحریم شدند. تردیدی نیست که به دلیل روابط پسین و پیشین بخش‌ها، اثرات تحریم فراتر از مقداری است که بیان شد. حسینی، توفیق و متین (۱۳۹۵) با استفاده از مدل متغیر مختلط داده-ستانده نشان داده‌اند که تنها کاهش ۴۰ درصد تولید نفت ناشی از تحریم نفتی به کاهش ۷ واحد درصدی رشد اقتصاد ایران منجر می‌شود. شایان ذکر است

تحریم‌های سال‌های اخیر علاوه بر تحریم‌های نفتی، تحریم‌های مالی، علمی-فنی، صنعتی و تجاری را نیز شامل شده‌است.

۲.۵ بازسازی رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱

بر اساس آنچه گفته شد، اگر تحریم‌ها اعمال نمی‌شد و نرخ رشد بخش نفت و سایر بخش‌هایی که به طور مستقیم تحریم شده‌اند (همچون خدمات بازرگانی، خدمات بانکی و واسطه‌های مالی، صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات و پتروشیمی)، در سال ۱۳۹۱، مثبت و یا حتی صفر بود، ایران در سال ۱۳۹۱ شاهد نرخ رشد مثبت می‌شد. برای اثبات این ادعا کافی است رشد بخش‌های یاد شده صفر در نظر گرفته شوند و با استفاده از سهم بخش نفت و سهم سایر بخش‌ها در سال ۱۳۹۰ یعنی سال قبل از اعمال تحریم‌های مقداری، نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ را باز محاسبه نمود. جدول زیر سهم هر یک از بخش‌ها در تولید سال ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۸): سهم بخش‌های مختلف در تولید سال ۱۳۹۰

کشاورزی	خدمات بدون مالی و بازرگانی	خدمات بازرگانی	خدمات گروه مالی	محصولات شیمیایی	ماشین‌آلات و تجهیزات	صنعت، بدون ماشین‌آلات و محصولات شیمیایی	نفت	سهم در تولید سال ۱۳۹۰ (محقق شده)
۵/۹	۳۲/۷	۱۴	۳/۶	۲/۲۱	۳/۲۹	۱۶/۳۴	۲۵	سهم در تولید سال ۱۳۹۰ (محقق شده)
۳/۷	۵/۳۲	-۸/۹	-۱/۶	-۱/۴۵	-۳۰/۸۳	۳/۱۳	-۳۷/۴	رشد سال ۱۳۹۱ (محقق شده)
۰/۲۱۸۳	۱/۷۳۹	۰	۰	۰	۰	۰/۵۱۱۴	۰	بازسازی رشد اقتصادی

منبع: محاسبات محقق

(بازسازی رشد اقتصادی به معنی صفر فرض کردن رشد بخش‌هایی است که مستقیم درگیر تحریم بوده‌اند) با فرض صفر (که به مراتب کمتر از متوسط دوره سه سال قبل از تحریم است) در نظر گرفتن نرخ رشد بخش‌های نفت، ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات شیمیایی، گروه خدمات مالی و خدمات بازرگانی در سال ۱۳۹۱ (همانگونه که در جدول شماره (۸) ملاحظه می‌شود) که به طور مستقیم تحریم شدند و تحریم منجر به کاهش تولید آنها شده است، نرخ رشد اقتصادی ایران برابر با ۲/۴۷ درصد می‌باشد.

۳.۵ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵

برای تحلیل رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵، شایسته‌است بر اساس رویکرد مقاله به تجزیه بخشی آن توجه شود. همانگونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، رشد بدون نفت در این سال برابر ۳/۳ درصد بوده‌است. با در نظر گرفتن رشد منفی ۳/۱ درصدی رشد بدون نفت در سال ۱۳۹۴، نتیجه آن است که عملکرد تولید بدون نفت در سال ۱۳۹۵ (۵۱۶۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) به معادل سطح عملکرد سال ۱۳۹۳ (۵۱۶۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) رسیده‌است. لیکن با توجه به برداشته شدن تحریم‌های نفتی، رشد بخش نفت در سال ۱۳۹۵ حدود ۶۲ درصد شده‌است که ارزش افزوده یا عملکرد این بخش را از ۹۴۳ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۴ به ۱۵۲۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۵ رسانده‌است و رشد کل اقتصاد را به ۱۲/۵ درصد در این سال ارتقا داده‌است.

شایان ذکر است اثر مثبت رشد بخش نفت در سال ۱۳۹۴ نیز محسوس است. در سال ۱۳۹۴ اگرچه رشد بدون نفت ۳/۱- درصد بوده‌است، لیکن به دلیل رشد ۷/۲ درصدی رشد بخش نفت، رشد کل تعدیل شده و به سطح منفی ۱/۶ درصد رسیده‌است. بدین ترتیب رشد سال ۱۳۹۵ را نمی‌توان نتیجه یک بهبود ساختاری یا سیاستی اقتصاد دانست، بلکه مرتبط با افزایش قابل توجه ارزش افزوده بخش نفت ناشی از تعلیق تحریم‌های مقداری نفت مشابه تجربه سال ۱۳۶۱ است. این امر بایستی در ارزیابی عملکرد اقتصاد با توجه به هدف پویایی رشد در اقتصاد مقاومتی مدنظر قرار گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

۱.۶ در تحلیل و ارزیابی رشد اقتصادی به ویژه در زمانی که نوسان و تکانه‌ها بالاست، شایسته‌است به شرایط عملکرد تولید ملی توجه شود، در غیر این صورت تأکید صرف بر رقم رشد، می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

۲.۶ تفکیک مفاهیم رشد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به ویژه قبل و پس از یک تکانه بسیار مهم است. در مطالعات سیاست‌گذاری باید توجه داشت که پس از یک تکانه و یا مهم‌تر از آن رفع یک تکانه مثل جنگ یا تحریم، ممکن است یک جهش رشد اتفاق بیفتد. این اصلاح مسیر کوتاه‌مدت بوده و نباید آن را یک بهبود ساختار و پایدار رشد تلقی کرد.

۳.۶ تجزیه بخشی رشد به تحلیل کیفی و ساختاری آن کمک می‌کند، وگرنه صرف تأکید بر رشد کل برای اقتصادهایی مثل ایران که نفت در آن سهم بالایی دارد، می‌تواند سبب نارسایی تحلیل و به طور ویژه درک پیامدهای رشد اقتصادی برای اهدافی چون اشتغال و حتی رفاه شود.

۴.۶ مطالعه روند رشد اقتصاد ایران و تجزیه بخشی آن حاکی از نوسان بالای آن در دوره مورد مطالعه است که دلیل عمده آن به نوسان و تکانه‌پذیری رشد بخش نفت بر می‌گردد. شدیدترین تکانه‌های نفتی نیز به تحریم‌های مقداری نفت (به طور مشخص سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۹۱) بر می‌گردد.

۵.۶ استفاده از تحریم در کانون استراتژی امنیت ملی کشورهایی مانند آمریکا برای مقابله با ایران قرار گرفته‌است که این امر از یک سو به سلطه این کشور بر بازارهایی چون بازار مالی و بازار نفت و از سویی به وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به صادرات نفت خام بر می‌گردد.

۶.۶ نکته پیش‌گفته ایجاب می‌کند که در برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، پروژه‌های خاص برای کاهش تحریم‌پذیری و تکانه‌پذیری اقتصاد ایران پیش‌بینی شود. به طور مشخص این امر باید در برنامه‌های ۱۲گانه و بالتبع طرح و پروژه‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد. پروژه‌های یادشده علاوه بر پدافند مالی باید در جهت کاهش انحصار دولتی در فروش نفت و کاهش انحصار از سوی خریداران نفتی باشد. ضمن اینکه تکمیل پروژه‌های زنجیره‌های پایین‌دستی نفت و گاز باید با سرعت بیشتری دنبال شود.

پیام کلیدی این مقاله آن است که در مطالعات و متون پژوهشی درباره رشد اقتصادی علاوه بر تحلیل کمی-کلی بایستی به تحلیل کیفی-بخشی رشد نیز توجه شود و در سیاستگذاری و ارزیابی سیاستی نباید جهش‌های کوتاه‌مدت رشد ناشی از رفع یک تنگنای خارجی و برون‌زا به مثابه بهبود ساختاری و پیامد سیاستی اقتصاد تلقی شود. خلاصه آنکه تا زمانی که ساختار فنی، تولید، تجارت و مالی بخش نفت اصلاح نشود و وابستگی آن تداوم داشته‌باشد، یک عامل اصلی تکانه‌پذیری و نوسان رشد اقتصاد ایران پابرجاست که شایسته‌است، اصلاح آن در سرلوحه کار مراجع مربوطه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. یادآوری می‌شود که کاهش مقداری تولید و صدور نفت سبب کاهش عرضه ارز، کسری تجاری و در نتیجه افزایش قیمت آن نیز می‌شود که می‌تواند بر رشد اقتصادی و تورم تأثیر بگذارد که موضوع این مقاله نیست.
۲. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به «آمار سخن می‌گوید» نوشته میرزاده و حسینی، ۱۳۷۸.
۳. برای اطلاع بیشتر به برنامه‌ریزی توسعه (جلد اول)، نوشته فقیه نصیری، حسینی و دیگران مراجعه شود.
۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت تحریم‌های اخیر علیه ایران و زمینه‌های اثربخشی آن‌ها، به کتاب «The New Tools of Economic Warfare» نوشته الیزابت روزنبرگ و دیگران مراجعه شود.

کتاب‌نامه

- برانسون، ویلیام اچ (۱۳۸۵). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
- حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران با تأکید بر تکانه‌های خارجی، توصیه‌های برای اقتصاد مقاومتی»، تهران: کنگره ملی اقتصاد مقاومتی، دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۲). «اقتصاد ایران همراه با تحریم»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۲.
- حسینی، سید شمس‌الدین؛ توفیق، فیروز و متین، شهاب (۱۳۹۵). بررسی اثر تحریم‌های نفتی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از جدول داده-ستانده، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، گروه منابع و اقتصاد دفاع.
- رومر، دیوید (۱۳۸۳). *اقتصاد کلان پیشرفته*، جلد اول، ترجمه مهدی تقوی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)
- سامانه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
- غفاری، فرهاد و مظفری، سحر (۱۳۸۹). «اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی بر رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال اول، شماره سوم.
- فقیه‌نصیری، مرجان؛ حسینی، سید شمس‌الدین و همکاران (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی توسعه*، جلد اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

گزارش «نماگرهای اقتصادی» سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۲، بانک مرکزی ج.ا.ا.
گزارش آمار عملکرد مالی دولت، (۱۳۹۲)، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
گزارش هنر جنگ اقتصادی اقتصاد ایران در مواجهه با تحریم (۱۳۹۲)، معاونت امور اقتصادی وزارت
امور اقتصاد و دارایی.
منظور، داوود، مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و
اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۲.
منکیو، گریگوری (۱۳۹۰)، *اقتصاد کلان*، ترجمه حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارسائیان، تهران:
انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

Mehrara, Mohsen (2008), *The Asymmetric Relationship Between Oil Revenues And Economic, Energy Policy*, Volume 36.

Rosenberg, E., Goldman, Z. K., Drezner, D., & Solomon-Strauss, J. (2016). *The new tools of economic warfare: Effects and effectiveness of contemporary us financial sanctions*. Center for a New American Security.

World Economic Outlook 2012.

World Economic Outlook 2013.